



دکتر احمد شریعتمداری
دانشجوی دکتری دانشگاه امام صادق (ع)
پژوهشگر مرکز مطالعات آمریکا

کتاب شناسی افول

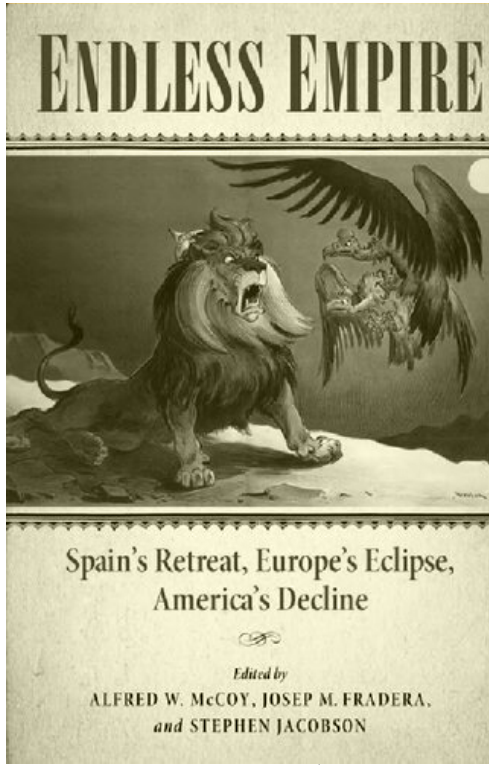
اروپایی که بر نیمی از بشریت حکومت می‌کردند، پس از جنگ جهانی دوم با سرعتی خیره‌کننده سقوط نموده و صد کشور نوظهور در آسیا و آفریقا را ایجاد کردند. در میان این گذار امپریالیستی، ایالات متحده به هژمون جهانی جدید تبدیل شد و با مجموعه‌ای از قدرت - که شباهت زیادی به قدرت‌های پیشینیان اروپایی خود داشت - بر این نظم جهانی مسلط شد.

مک کوی این سؤال را مطرح می‌کند: «آیا استعمارزدایی اروپا در دو قرن گذشته، بینش‌هایی را در مورد کاهش مداوم قدرت جهانی ایالات متحده ارائه می‌کند؟» نویسندگان امپراتوری بی‌پایان، با گردش در شش قاره و سه قرن تاریخ تطبیقی جهان از امپراتوری اسپانیا، پرتغال، فرانسه، بریتانیا و نیوزلند گرفته تا جوامع پسااستعماری در آسیا، آفریقا و قاره آمریکا، بیش از این با چالش مک کوی روبه‌رو شده‌اند. با اجتناب از نوعی ساده‌انگاری انحرافی و با استفاده از رویکردهای ابزاری مانند «درس‌های گذشته» و قضاوت‌های اخلاق‌گرایانه در مورد امپراتوری،

در متن پیش روی تلاش بر این است که سه کتاب از مک کوی، برنت رایان بلامی و دیل ال جانسون مورد بررسی اجمالی قرار بگیرد آثاری که نشانگر سیر نزولی و افول هیمنه آمریکا است.

۱. ایده «بذرهای زوال در امپراتوری آمریکا» از مک کوی، فرادرا و جاکوبسن

مک کوی پروفیسور تاریخ در دانشگاه ویسکانسین-مدیسون و نویسنده کتاب معروف Policing America's Empire است. فرادرا استاد تاریخ در Universitat Pompeu Fabra در بارسلون، اسپانیا و نویسنده کتاب‌های بسیاری در مورد تاریخ استعمار اسپانیا، از جمله Colonias para después de un imperio است. استفان جاکوبسون نیز دانشیار تاریخ در پومپئو فابرا و نویسنده کتاب حامیان کاتالونیا است. در طول چهار هزار سال تاریخ ثبت شده، پایانی برای امپراتوری وجود نداشته است، اما در عوض، یک توالی بی‌پایان از امپراتوری‌ها وجود داشته است. پس از پنج قرن توسعه پایدار، نیم دوجین قدرت



که امپراتوری ایالات متحده در حدود سال ۱۹۹۰، به اوج خود رسید، زمانی که سیاست‌های تحت عنوان «اجماع واشنگتن» بر اقتصاد جهانی مسلط شد و قدرت نظامی ایالات متحده، هستند:

– فرسایش قدرت اقتصادی و مالی موردنیاز برای قدرت نظامی بودن در مقیاس جهانی؛

– سوءاستفاده از قدرت نظامی از طریق حوادث ناگوار نظامی خرد؛

– فروپاشی اتحاد میان قدرت‌های بزرگ؛

– تضعیف کنترل بر نخبگان

زیردست که برای اعمال قدرت جهانی هرامپراتوری حیاتی است؛

– نوآوری فناوری ناکافی برای حفظ پروژه قدرت جهانی بودن.

نویسندگان کتاب، استدلال می‌کنند که هیچ امپراتوری پس

از جنگ جهانی دوم، قدرتمندتر

از ایالات متحده نبوده است. با

این حال، آن‌ها هشدار می‌دهند

BRIC (برزیل، روسیه، هند و چین)، این مفهوم را کلیشه‌ای کرده است. پس از اینکه جمهوری خلق چین، درخواست‌های دولت باراک اوباما برای ارزیابی مجدد یوان و در نتیجه، بهبود شکاف تجاری آمریکا و چین را رد کرد، پل ولکر، رئیس سابق فدرال رزرو گفت: «دیگران زمان گذشته است که ایالات متحده، بتواند ادعا کند که ابرقدرت فرضی است.» نویسندگان ادعا می‌کنند که بر اساس اکثر استانداردها،

ایالات متحده در دیگر کشورها بود. امپراتوری بی‌پایان، خاطر نشان می‌کند که اگرچه مقامات ایالات متحده، ایده سقوط جهانی آن را انکار می‌کنند، اما تعداد فزاینده‌ای از صداهای تأثیرگذار و حقایق سخت جهانی مانند لغزش‌های شدید در تبه‌بندی‌های اقتصادی و آموزشی جهانی ایالات متحده؛ حملات فزاینده ناکارآمد ذیل مداخلات نظامی ایالات متحده، ظهور چین و دیگر کشورهای

ایالات متحده، همچنان قدرت برتر جهان است. با این حال، همان طور که مک کوی هشدار می دهد (با توجه به غرور امپریالیست های اروپایی)، «در امپراتوری ها (حتی در اوج قدرت)، بذره های زوال بدون توجه به آن، جوانه می زنند تا زمانی که در قالب شکوفه ای مهلک ظاهر شوند.» این ایده در کتاب «امپراتوری بی پایان؛ عقب نشینی اسپانیا، کسوف اروپا، زوال آمریکا»، توضیح داده شده است.

Endless Empire: Spain's Retreat, Europe's Eclipse, America's Decline
نویسنده: آلفرد دبلیو مک کوی، جوزف ام. فرادرا، استیون جاکوبسون
Alfred W. McCoy; Josep M. Fradera; Stephen Jacobson
انتشارات: The University of Wisconsin Press

سال انتشار: ۲۰۱۲

برخی نظرات مرورگرایانه:

«ترکیبی غنی از تخصص تاریخی، دیدگاه تطبیقی و تعامل با روندهای معاصر در آغاز قرن بیست و یکم؛ این امر باید یک

متن اساسی و نقطه مرجع برای آموزش و تحقیق در مورد تاریخ های امپراتوری و قدرت آمریکا در دنیای امروز باشد.» John Sidel, London School of Economics
«نگاهی استثنایی و جامع به امپراتوری در یک زمینه واقعاً جهانی؛ دامنه و پیچیدگی این مقالات، در هیچ کجا دیده نشده است.» Franklin W. Knight, Johns Hopkins University

۲. ایده «رمان های پسا آخر زمانی آمریکا و نگرانی از افول هژمونی ایالات متحده»، از برنت رایان بلامی

برنت رایان بلامی (متولد شده در کینگستون کانادا)، یک مدرس در بخش های مطالعات فرهنگی و انگلیسی در دانشگاه ترنت و یکی از سردبیران واژه نامه اکوتویی، ماتریالیسم و نقد انرژی است. او دوره های مطالعات علمی-تخیلی، گرافیک تخیلی، ادبیات و فرهنگ آمریکایی و جهان سازی انتقادی را تدریس می کند. بلامی درک، فرهنگ ایالات متحده از طریق رمان پسا آخر زمانی را ممکن می داند. او رمان پسا آخر زمانی را در ادبیات آمریکا از دهه ۱۹۴۰ تا به امروز، به عنوان بازتابی از نگرانی فزاینده در مورد

افول هژمونی ایالات متحده بررسی می کند. رمان های پسا آخر زمانی، واکنش های انسانی را در پی وقوع فاجعه و پیامدهای آن تصویرسازی می کنند. شکل آینده ای که آن ها بازنمایی می کنند با «باقی ماندگان» تعریف می شود، در واقع، آن چیزی که باقی می ماند، خود را در استعاره های قصه گویی نشان می دهد. برنت رایان بلامی، ناخودآگاه سیاسی نوشته های پسا آخر زمانی را روشن می کند و از طیف وسیعی از زمینه های انضباطی و تأدیبی از جمله مطالعات علمی-تخیلی، مطالعات آمریکایی، تحقیقات علوم انسانی انرژی و نظریه انتقادی نژاد استفاده می کند. در واقع، بلامی تنش میان یک انگیزه ارتجاعی و انگیزه مترقی برای جهانی جدید را از لابه لای تبیین این نوع از رمان ها توصیف می کند.

بلامی برای توسعه ایده جذاب خود درباره داستان های پسا آخر زمانی آمریکایی از پایان جنگ جهانی دوم تا بحران مالی ۲۰۰۸، تلاش فراوانی کرده است. او در این مسیر از شاخه های

مختلف مطالعات آمریکایی، مطالعات حوزه علمی-تخیلی و مطالعات ناظر بر فرهنگ مکتوب، بهره جسته تا چگونگی تغییر از روایت‌ها و داستان‌ها را باز کند و مشخص نماید که آن‌ها، چگونه چشم‌انداز سیاسی آمریکایی را بازتاب می‌دهند و نیروهای حاضر در نشر، این تکامل را شکل داده‌اند. دستگاه نظری بلامی، دامنه وسیعی دارد، همان‌طور که او می‌گوید: «گستره‌ای از روش‌شناسی‌ها از نقد ناسیونالیسم گرفته تا نقدهای مربوط به فرهنگ نفتی و طیفی از چارچوب‌ها، از نظریه نژادی انتقادی گرفته تا بررسی‌های فمینیستی و دگرپاش‌ها، در نقد به بازتولید آینده؛ اما استدلال او در تمام مدت، روشن است و او اغلب خواننده را جهت می‌دهد و به ما یادآوری می‌کند که کجا هستیم و در آینده، به چه چیزی می‌پردازیم.

بلامی در کتاب خود - که برای توضیح در مورد این ایده نگاشته است - می‌گوید: «رمان‌های پسا آخرالزمانی درباره پایان جهان نیستند، بلکه بیشتر «اضطراب فرهنگی را درباره پایان هژمونی

ایالات متحده و سازگاری طولانی، آهسته و در دناک با زندگی تحت سیطره نو لیبرالیسم، به ویژه برای کسانی که از استاندارد زندگی نسبتاً بالایی برخوردار بوده‌اند، بازمی‌نمایاند.» موضوع و طرح بحث اگر خیلی تقلیل‌گرا به نظر می‌رسد، چندان ترس‌آور نیست، زیرا بلامی این ایده را به روش‌های ظریف و تحریک‌آمیز از راه‌های بی‌شمار خوانش‌های متنی - که جزئیات آن‌ها اگر نه بیشتر، حداقل اغلب به همان اندازه سرگرم‌کننده‌تر از نتایجی که ممکن است بگیریم، هستند - غنا و توسعه می‌دهد. بلامی، اگرچه می‌گوید که «روند غالبی را می‌توان در رمان‌های پسا آخرالزمانی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند، یافت و آن‌ها بحران را به‌عنوان فرصت تلقی می‌کنند و درک مستور در تاریخ را تشویق می‌کنند که به‌طور غیرمستقیم و غیرشهودی، فردگرایی را نسبت به جمع‌گرایی، ارزش‌گذاری کند و باور پیدا کند که باید به دنبال بازگشت به حالت قبلی از زندگی بود»، اما اجازه می‌دهد تا استثنا و موارد مرزی نیز مطرح شوند که این

مهم، یکپارچگی تجزیه و تحلیل او را تقویت می‌کند.

در مقدمه بلامی، در ادامه کار، ورونیکا هولینگر توضیح می‌دهد که رویکردهای پسا آخرالزمانی او به‌عنوان یک ژانر یا زیر ژانر تلقی نمی‌شود، اما ایده او این است که آن‌ها را به‌عنوان یک «حالت» در نظر گرفته و با استفاده از قطعه‌ای از امبرتو اکو در مورد تفاوت تمثیل و نماد، ارزش این حالت را به‌صورت نمادین در نظر می‌گیرد. «متن پسا آخرالزمانی تصور می‌کند که چگونه شخصیت‌ها، ممکن است به رویدادهای ویرانگر جهان، واکنش نشان دهند». در حالی که «حالت پسا آخرالزمانی تصور می‌کند که چگونه یک فرهنگ، ملت یا مردم، ممکن است به تغییر ناگهانی شیوه زندگی خود به دراماتیک‌ترین روش‌ها واکنش نشان دهند.» مفهوم جالب و مبتکرانه‌ای که بلامی برای بررسی این حالت کلان متنی پسا آخرالزمانی به کار می‌برد، مفهوم «باقی مانده‌ها» است. به‌طور خلاصه، برای بلامی این اصطلاح حداقل در سه سطح عمل می‌کند که همه آن‌ها، مورد توجه او قرار

**کتاب «بقایای قرن آمریکایی؛
رمان های پسا آخرالزمانی در
عصر زوال ایالات متحده»**

Remainders of the American
Century: Post-Apocalyptic
Novels in the Age of US
Decline

نویسنده: برنت رایان بلامی

Brent Ryan Bellamy

انتشارات: Wesleyan University
Press

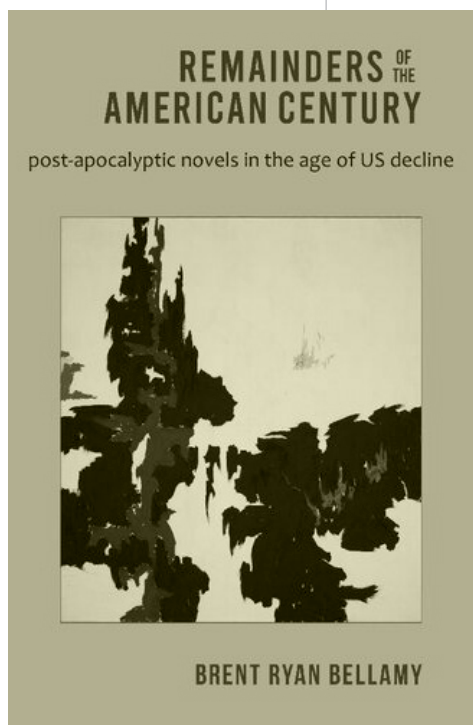
سال انتشار: ۲۰۲۱

برخی نظرات مرورگرایانه بر کتاب:
«این کتاب یک تاریخ گیرا و
به موقع است که

به طور مناسب
در حالت پسا
آخرالزمانی،
روایت شده
است. این کتاب،
افول هژمونی
ژئوپلیتیک
آمریکا، تحولات
صنعت نشر
و رویدادهای
ذکر شده در
داستان های
پسا آخرالزمانی
از سال ۱۹۴۵
تا دوره کنونی»
و باقی مانده را

می گیرند: او چیزهای روایت مند
(اشیاء، مردم و مکان ها)، مفاهیم
ادبی (فرم ها، پلات ها و استایل ها)
و مواد دنیای واقعی (کتاب هایی
که در مورد باقی مانده ها هستند)
را به عنوان اجزا یا نشانگرهای
یک فرایند واحد از رهاشدگی،
شکست، ویرانی و تباهی، به
حساب می آورد. همان طور که
آینده هایی در چشم اندازهای
پسا آخرالزمانی به تصویر
کشیده شده اند، «باقی مانده»
از دنیای قبل از فاجعه هستند؛
«باقی مانده» از عناصر داستانی
خود، نابود نشده است، بلکه
از متنی به متن دیگر، تجزیه
و بازیافت می شود. در واقع،
باقی مانده، پیوند کلیدی میان
ابعاد مختلف تحقیقات بلامی
است. بلامی خاطر نشان می کند
که «بر اساس کتابشناسی عناوینی
که من تهیه کرده ام، تعداد عناوین
پسا آخرالزمانی ایالات متحده بین
سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، بیش از دو
برابر شده است.» پسا آخرالزمان،
باقی می ماند و باقی ماندگان نیز
می مانند.

«با هم می آمیزد». ورونیکا هالینگر،
سردبیر مطالعات علمی تخیلی.
«مفهوم سازی داستان های پسا
آخرالزمانی به عنوان یک حالت
کاهنده (اینکه چه کسی گم
شده است، چه چیزی نجات
داده می شود، چگونه باقی مانده
آن، تغییر رویکرد می دهد)، در
نظر گرفته می شود. این کتاب،
نظریه ای قدرتمند از این است
که چگونه چنین روایت هایی
به ما کمک می کنند تا در
دوره آخرالزمان - که استعمار و
سرمایه داری ادامه دارند- زندگی
کنیم.» شریل وینت، نویسنده



کتاب آینده‌های زیست سیاسی در داستان گمانه‌زنی قرن بیست و یکم.

«در عصر فاجعه اقتصادی، زیست‌محیطی و ویروس‌شناختی، باقی‌مانده‌های قرن آمریکایی، توضیحی فوری و قوی ارائه می‌دهند که چگونه داستان‌هایی در مورد آینده می‌گوییم که ترس‌ها و شکستگی‌های حال مضطرب ما را آشکار سازد.» -گری کاناوان، نویسنده کتاب اکتاویا ای. باتلر.

۳. ایده «زوال آمریکا در بستر پلوتوکراسی، توسعه انحطاطی، نابرابری اجتماعی و نیروی نظامی ستمگر» از دیل ال جانسون

دیل ال جانسون، جامعه‌شناس بازنشسته ساکن کاستاریکا و استاد بازنشسته جامعه‌شناسی در دانشگاه رانگزر، ایالات متحده است. این کتاب، الهام گرفته از وخامت اوضاع در ایالات متحده و ریشه آن در نگاه او بوده، آن هم زمانی که او به‌عنوان فعال دانشجویی دهه ۱۹۶۰ و جامعه‌شناس انتقادی جوان، فعالیت می‌کرده است. او نویسنده هفت کتاب و مقالات متعدد در مجلات است. جانسون با کاوش ضد هژمونی حاکمیت سرمایه و

ارائه رهنمودهایی برای استراتژی سازی تغییر-که برگرفته از دیالکتیک «آنچه هست و آنچه باید باشد» است- به درک آمریکای امروزی کمک بیشتری می‌کند. جانسون نظم جهانی نئولیبرالی و تجلیات سیاسی آن را از طریق بحث در مورد تسلط سرمایه مالی در اواخر قرن بیستم، پیروزی ایدئولوژی، بسته شدن راه‌های اصلاحات، مشکل دولت اسیر و گرفتار و تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی حکومت از منظر سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن»، تحلیل می‌کند. او با نگاهی به تاریخ جنبش‌ها در فرهنگ، هنر، اقتصاد و سیاست، ایده خود را توسعه می‌دهد. او بیان می‌کند، این امید وجود دارد که چالش‌های در پس هژمونی، می‌تواند از راه‌های زیادی تغییر کند که مسیر انتخاباتی، یکی از آن جبهه‌های متعدد در مبارزه طولانی‌مدت برای اصلاحات اساسی است.

به طور خلاصه، آمریکا تضاد میان طبقات، نژادها و جنسیت‌ها را تحمیل می‌کند. تأمین بودجه برای سرمایه‌گذاری‌های نامناسب، مشکل توسعه انحطاطی و فساد آمیز را ایجاد می‌کند. رهبران مطیع پلوتوکراسی هستند. از نظر نظامی، آمریکا به وضعیت ناامن ملی، مبدل شده

است و هنگام تلاش برای حل یک مسئله خاص، مشکلات بیشتری ایجاد می‌کند. سرکوب و داروینیسیم اجتماعی عادی است که دانستن مشکلات و تاریخچه آن‌ها، اولین قدم برای تلاش برای حلشان و ایجاد آینده‌ای بهتر است. این کتاب که مملو از دیدگاه‌های دیالکتیک است، عمیقاً در ساختار اجتماعی آمریکا فرو می‌رود. نویسنده به این نکته اشاره می‌کند که چگونه جامعه آمریکا، هرچه بیشتر به سمت دوقطبی شدن سوق داده می‌شود و رفتار اختلاف‌آمیز میان طبقات، نژادها و جنسیت‌های مختلف آشکارتر می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، به وضوح داروینیسیم اجتماعی به هنجار تبدیل شده است. چه چیزی آمریکا را از نظر اجتماعی، این چنین مناقشه‌برانگیز کرده است؟ توزیع نامناسب ثروت، موجب سلب مالکیت دارایی از عمده مردم آمریکا شده است. ساختار نظام سیاسی نیز به شدت به بسط این مشکل کمک می‌کند. قوانین ایجاد شده توسط پلوتوکراسی، به نفع طبقه ثروتمند است. قبل از رکود بزرگ، نزدیک به نیمی از نمایندگان و اکثریت سناتورها میلیونر بودند. برخلاف اکثر جامعه آمریکا، ثروت نمایندگان و سناتورها، ۱۱ درصد افزایش یافته است و این، شامل

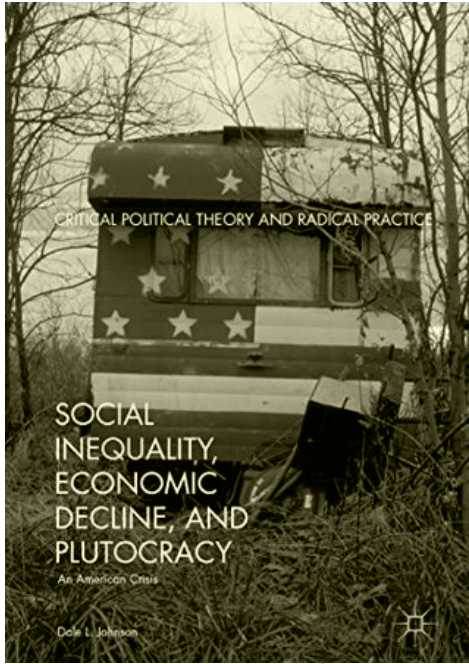
دریافتی از پرداختی‌های لابی‌گرها نمی‌شود.

بخشی از لابی‌ها از صنعت و پیشه مالی ناشی می‌شود. اقتصاد نیز در حال حرکت به سمت مالی شدن بیشتر است. این، بدان معنا است که بیشتر اقتصاد، دیگر تولید ثروت نیست، بلکه انتقال ثروت است. این حالت موجب می‌شود تا سرمایه‌داران مانند سودگیرها، رفتار کنند و مازاد ثروت به سمتشان سوق یابد. این مشکل با انواع سرمایه‌گذاری‌هایی که انجام می‌شود نیز تشدید می‌شود. نویسنده این وضعیت را که توسعه انحطاط‌آمیز می‌نامد، توصیفی از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های بیهوده و مخرب اجتماعی است. اگر بخش مالی به شکلی مناسب، به مازاد سود ادامه دهد، اقتصاد همچنان ناکارآمد خواهد بود اما اگر تنها بخش مالی تولید و نه انتقال ثروت را تسهیل کند، نظام اقتصادی به درستی عمل خواهد کرد. بخش مالی تنها بخشی از مشکل است. پول امتیازاتی را ایجاد می‌کند و این، موجب ایجاد قدرت می‌شود. این قدرت جدید، نظام حقوقی را از دیدگاه خود تغییر می‌دهد.

طبقه حاکم نظام قانون را به ابزار خود، تبدیل کرده است. هر دو حزب سیاسی بزرگ برای اینکه تابع پلوتوکراسی شوند، تحت فشار قرار می‌گیرند. در این حالت نیز هیچ‌یک از طرفین، مورد سرزنش قرار نمی‌گیرند، زیرا هر دو مسئول گنج و گمراه کردن کشور هستند. در واقع، مشکل احزاب، کاملاً بومی است که در این صورت، نظام حقوقی سرکوبگر می‌شود و این امر، موجب ایجاد اصطکاک در ساختار طبقات اجتماعی می‌شود و در ادامه، نیاز به سرکوب مقاومت طبقاتی را هم ایجاد می‌کند.

در گذشته، زمانی که گروه‌های خاصی برای مقاومت یا اعتراض به سیاست‌ها تشکیل می‌شدند، به آن‌ها اجازه می‌دادند تا زمانی که آماده بودند، به جامعه بازگردند. اکنون، همان‌طور که جانسون ادعا می‌کند، انجام این کار، بسیار دشوارتر است. در حالی که پلیس ملی، ایالتی و شهری خود را با تجهیزات کنترل ضد شورش مسلح می‌کند، ادغام و آمیختگی مجدد مقاومت‌کنندگان و اعتراض‌گران با جامعه، تقریباً غیرممکن شده است. ساخت سلاح‌های خاص برای مقابله با شورش‌ها،

به یک هنجار تبدیل شده و در این موقعیت، پلیس به ستمگر تبدیل شده است. پلیس لباس‌های سنگین و خاص می‌پوشد و آموزش می‌بیند که از جمعیت معترض، واکنش بگیرد و آن‌ها را تحریک کند تا بتواند علیه آن‌ها اقدام کند. از نظر ملی، امنیت کشور، ناامن‌تر از گذشته به نظر می‌رسد، اما در سطح بین‌المللی، این موضوع بسیار بدتر است. سازمان‌های متعددی که قرار است با اهداف مختلف از کشور محافظت کنند، آمریکا را به چیزی تبدیل می‌کند که جانسون، آن را وضعیت ناامنی ملی می‌نامد. مداخلات آمریکایی در خارج از کشور با هدف تأمین سود شرکت‌هایی که محرک و ماشین جنگ هستند، رقم خورده است. جنگ‌ها سعی دارند تا مشکلی را حل کنند، اما در نهایت، اوضاع را بدتر می‌کنند. جنگ‌هایی که اکنون با آن‌ها مشغول هستیم (مانند مواد مخدر و تروریسم)، هزینه‌های هنگفت و سود کمی دارند، در حالی که هزینه‌ها، همچنان در حال افزایش هستند. راه‌حل بهتر برای مشکلات، پایان دادن به تروریسم رسمی است که می‌تواند بسیاری از رفتارها را کاهش دهد و از آن جلوگیری کند. جانسون با اشاره به پلوتوکراسی و اقدام نظامی، شروع به موازی‌سازی



کار، تولید ثروت به جای انتقال آن و احترام به محیط زیست است.

کتاب نابرابری اجتماعی، افول اقتصادی و پلوتوکراسی؛ بحران آمریکایی Social Inequality, Economic Decline, and Plutocracy: An American Crisis

نویسنده: دیل ال جانسون

Dale L. Johnson

انتشارات: Palgrave Macmillan

سال انتشار: ۲۰۱۷

برخی نظرات مرورگرایانه بر کتاب دیل:

«این کتاب، اثری از دهه ۱۹۶۰ بوده و به این معنا است که نویسنده به صراحت، آن دوره در ایالات متحده را به عنوان دوره طغیان و براندازی دانش پذیرفته شده بازمی خواند. این کتاب برای دانشجویانی در ایالات متحده مفید خواهد بود که به دنبال آموزش اساسی رادیکال در مورد عملکرد سیستم هستند. بسیار خواندنی و در دسترس است،

آمریکا با نازی‌ها می‌کند. با روشی که آمریکا، نیروهای مسلح سرکوبگر خود را راه انداخت، نازی‌ها نیز به روشی مشابه عمل کردند. بسیاری از جنایات جنگی که نازی‌ها از آن شرمسار شدند و به خاطرش به زندان افتادند، در آمریکا نیز اتفاق افتاده است، در حالی که به همتایان آمریکایی آن‌ها، مناصب بالاتری داده می‌شود و در داخل سیستم، مورد احترام قرار می‌گیرند. در برابر پلوتوکراسی، توسعه انحطاطی و نیروی نظامی ستمگر، چه می‌توان کرد و چه راهکارهایی از مشکلات احتمالی جلوگیری می‌کند؟ در این شرایط، رسانه‌ها نقش مهمی در این مشکل ایفا می‌کنند. جانسون مدعی است که رسانه‌ها، غیر انتقادی هستند و اخبار جعلی ارائه می‌کنند. آن‌ها انحراف از واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌کنند، فرهنگ ترس را برمی‌سازند و به سرزنش کردن و محکوم کردن ادامه می‌دهند. اجازه دادن به صدای مخالفان بدون تهدید تروریسم رسمی و ترک مسئولیت، اولین گام در مسیر اصلاح است. نقطه ضعف توسعه انحطاطی، توسعه پایدار است که مستلزم افزایش نیروی

بنابراین، حتماً باید توسط دانشجویان و فعالان خوانده شود.» (رونالدو مانک، سرمایه و طبقه؛ فوریه ۲۰۱۸)

«دیل جانسون کتاب درسی سرمایه‌داری بین‌المللی معاصرو چگونگی مبارزه با آن را در اختیار ما قرار داده است. این کتاب، نشان‌دهنده یک عمر دانش پژوهی است و با توجه به رویکرد سطح کلان آن، کمک منحصر به فرد به درک ما از رویدادهای جهان می‌کند. (مارتین اوپنهاایمر، سیاست جدید، newpol.org، اکتبر ۲۰۱۷)